

معمار توسعه ایران؛
تطبيق مدل رستا (ارایه شدن در کتاب
استراتژیک توسعه ایران) با منابع بین المللی
مجتبی لشکر بلوکی؛ پاییز ۱۴۰۲



هدف این گزارش

مقایسه مدل رستا (مطرح شده در کتاب استراتژی توسعه ایران چرا ایران عقب ماند؟ چگونه پیشرفت کنیم؟) با چند نظریه و منبع بین المللی است برای تطبیق و تکامل



تمام منافع حاصل از فروش این کتاب صرف امور فرهنگی و عام المنفعه خواهد شد

سفارش نسخه کاغذی کتاب: ۰۹۱۰۱۹۳۳۲۱۱۴

لینک سفارش نسخه صوتی کتاب

لینک سفارش نسخه الکترونیکی کتاب

روایت سه لایه ای توسعه
نیافتگی ایران (رستا)

توسعه کم شتاب و عقب ماندگی

نظام حکمرانی معلول

ظرفیت پایین حکمرانی و حل مسایل ملی

ترتیبات سیاسی

محدود

نهاد سیاست با دسترس بسته

مناسبات اقتصادی

معیوب

نهاد اقتصاد غیرفراگیر بهره کش

خلقیات فرهنگی نامطلوب

موقعیت جغرافیایی

مسیر تاریخی

معمای توسعه ایران
مجتبی لشکر بلوکی

عدم امکان حرکت سریع در مسیر توسعه و در نتیجه عقب ماندگی

ظرفیت سیاست گذاری پایین: توان کم نظام حکمرانی در انتخاب های هوشمندانه و یافتن راه حل

ظرفیت سازمانی پایین: ظرفیت پایین حکومت در اجرا

ظرفیت سیاسی پایین حکومت: توان مذاکره و ائتلاف سازی با بازیگران قدرتمند، جامعه مدنی و مردم

نظام حکمرانی معلول (ظرفیت پایین حکمرانی و حل مسایل ملی)

تزییات سیاسی محدود

شکاف اعتماد و گفتگو بین حکومت و مردم
ضعف حاکمیت قانون و حاکمیت مردم (دموکراسی)
جامعه کلنگی روستایی (انقطاع تجربه و عدم انباشت پیوسته و پایدار)

تنهایی تلخ نخبگان مصلح
کمبود کنشگران مرزی
جامعه بی رویا نبود تصویر مشترک جمعی مقبول از آینده

اجماع ناپذیری

مناسبات اقتصادی معیوب
عدم شکل گیری بخش اقتصادی بزرگ مستقل از دولت
عدم دسترسی همگانی به فرصت های اقتصادی و انگیزه پایین
عدم انباشت سرمایه
هزینه روانی بالای فعالیت اقتصادی
ضعف در حقوق مالکیت و عدم احساس امنیت

دشواری همکاری جمعی عقلانی پایدار سازمان یافته

تقدیرباوری	تفکر قبیله ای-عشایری	بی اعتمادی/دگرهراسی	فقدان توانایی گفتگو و هم شنوی	پنهان کاری/عدم شفافیت
احساس ناامنی همیشگی	سلطه گری و سلطه پذیری	احساس پارادکسیکال نسبت به حکومت	خودمداری/خارتگری	بی آینده گی/جامعه کوتاه مدت

جغرافیا
کم آبی و بی خشکی
عدم مالکیت خصوصی بر زمین
نفت ۱۰۰ سال اخیر
بالا بودن هزینه دفاع و امنیت
موقعیت ژئوپلتیک ایران
پراکندگی جغرافیایی، قومیتی، مذهبی، نژادی و زبانی

تاریخ
تاریخی سرشار از تخریب و غارت
شاه خدایی و بی اعتباری جان و مال مردم
مذمت علوم تسخیری، ابزار ساز و تکنولوژی
بحران مشروعیت و جانیشینی همیشگی و عدم قطعیت سیاسی
قطع تکامل صنعتی و تخریب توان تولیدی و تجاری ایران

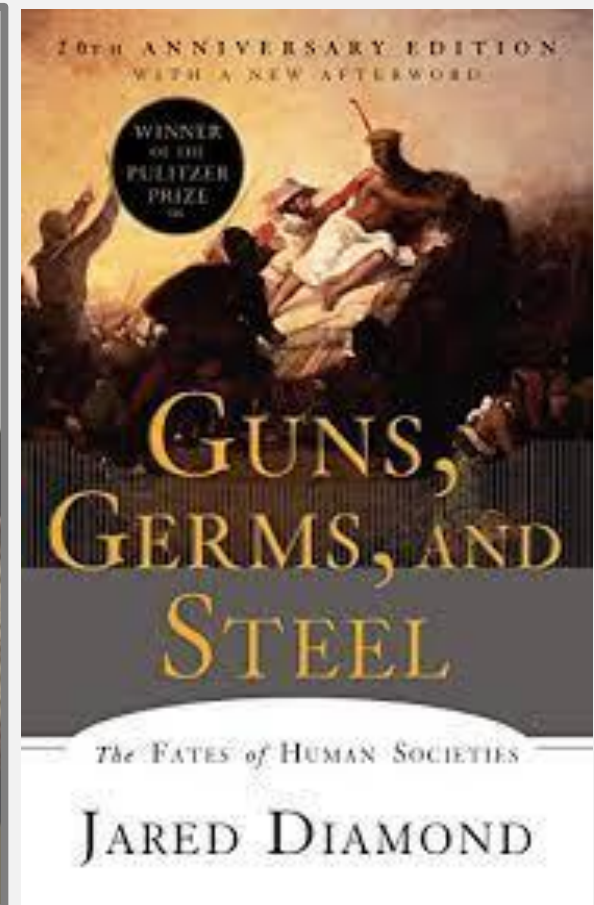
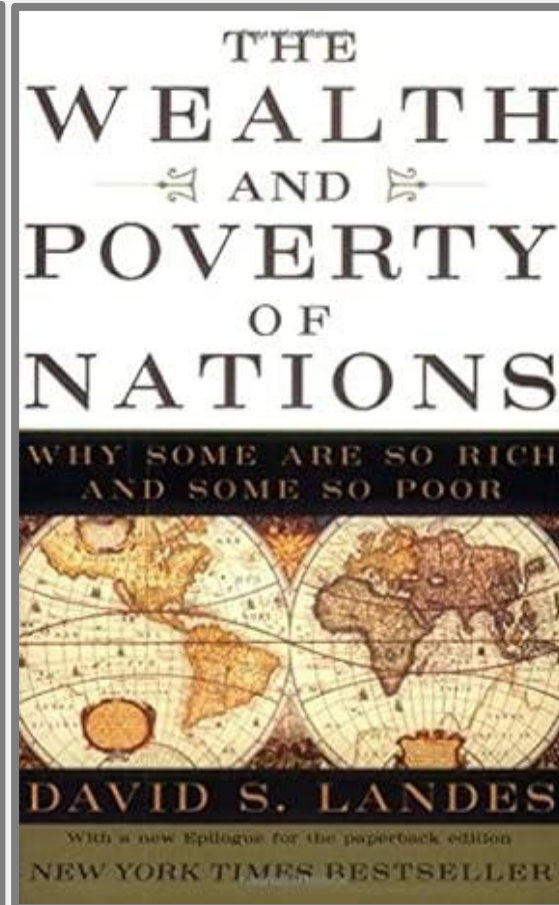
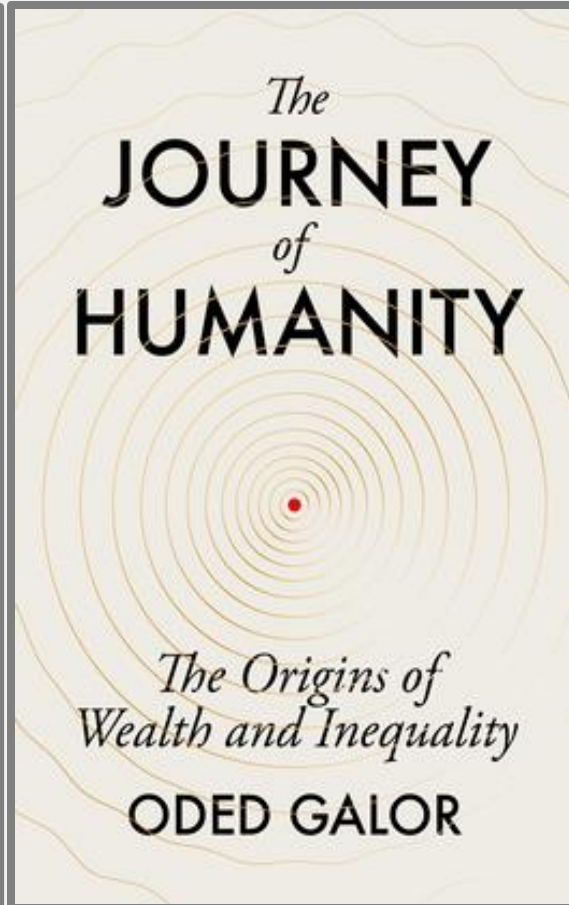
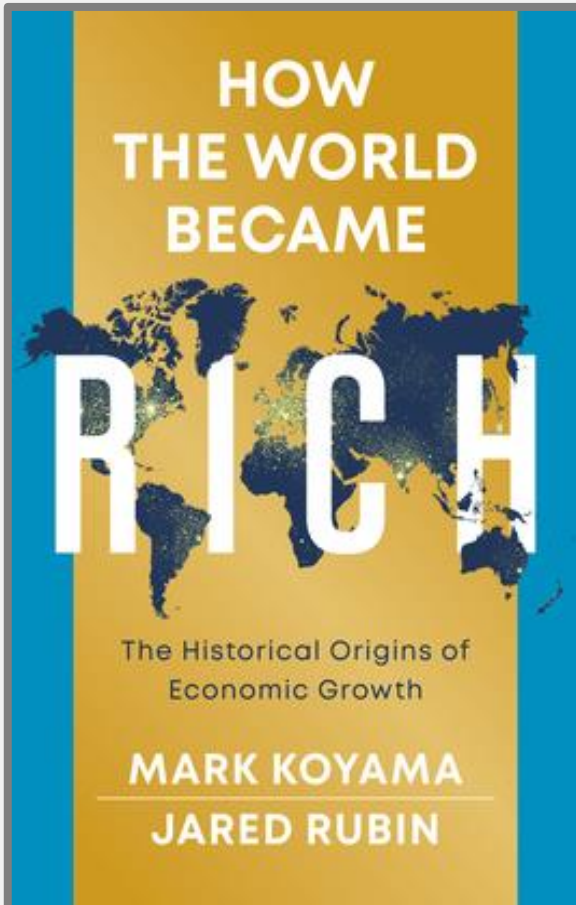
مقایسه با یافته‌ها چهار کتاب مرجع

Professors of Economics at Chapman and George Mason University.

Professor of Economics at Brown University

Professor of Economics and History at Harvard

professor of geography at UCLA



سرنوشت جوامع بشری - دایموند

○ با تحلیل ۱۳ هزار ساله بشر، تقریباً تمام دستاوردهای بشری (علمی، هنری، معماری، سیاسی و غیره) در قاره اوراسیا رخ داده‌است. مردم قاره‌های دیگر (جنوب صحرای آفریقا، بومیان آمریکا، بومیان استرالیا و گینه نو و ساکنین اصلی مناطق گرمسیری آسیای جنوب شرقی) به‌طور گسترده‌ای مغلوب و جابه‌جا شده‌اند و در برخی موارد فوق‌العاده — اشاره به بومیان آمریکا، بومیان استرالیا و بومیان خواسان جنوب آفریقا — عمدتاً از بین رفته‌اند.

○ نویسنده کتاب استدلال می‌کند که شکاف در قدرت و فناوری بین جوامع انسانی ریشه در تفاوت‌های زیست‌محیطی دارد، تفاوت‌هایی که حلقه بازخورد مثبت آن‌ها را تقویت می‌کند (به این معنا که برتری محیطی باعث پیشرفت تکنولوژی می‌شود و برتری تکنولوژی باعث پیشرفت‌های بیشتری می‌شوند که در جای خود پیشرفت بیشتری به دنبال می‌آورد).

○ در مواردی که تفاوت‌های فرهنگی یا ژنتیکی به نفع اوراسیایی‌ها عمل کرده‌است (به عنوان مثال دولت متمرکز در چین، یا مقاومت ژنتیکی در برابر بسیاری بیماری‌ها در میان اوراسیایی‌ها)، این مزیت‌ها تنها به دلیل تأثیرات جغرافیایی به وجود آمده‌اند و در ژن اروپایی و آسیایی ریشه ندارند.

دو مزیت جغرافیایی برای توسعه کشاورزی

○ بعد از آخرین عصر یخ، با اختلاف زیادی، بهترین بذرهاى وحشى و حیوانات رام شدنى (گياهان و حیوانات قابل اهلى شدن) تقريباً بزرگ (مانند بز، سگ یا گاو، اسب) در طبیعت اوراسیا یافت مى شد. این امر مناسبترین مواد اولیه را اختیار مبتکران اروپایی و آسیایی کشاورزی گذاشت. مناطق دیگر حداکثر دو و اغلب هیچ حیوان دیگری در اختیار ساکنان خود نمی گذاشتند. اسب و شتر برای حمل و نقل، بز و گوسفند برای پوشاک و پنیر؛ گاو برای شیر و برای خیش زدن زمین و خوک و مرغ برای خوردن. آفریقاییها، بر حسب تصادف جغرافیایی، با شیر، پلنگ و امثالهم طرف بوده اند.

○ مزیت دیگر اوراسیا در این است که محور شرقی-غربی آن یک منطقه بسیار وسیع با عرض جغرافیایی مشابه و در نتیجه آب و هوای متشابه تشکیل می دهد. در نتیجه، برای مردم اوراسیا به مراتب ساده تر بود که شروع به استفاده از گیاهان و حیواناتی کنند که از قبل در سایر نقاط اوراسیا اهلی شده بودند. در مقابل، محور شمالی-جنوبی آمریکا و تا حدی آفریقا به دلیل تنوع گسترده در آب و هوا مانع از گسترش اهلی کردن گیاهان و حیوانات در سراسر این قاره شد. حیواناتی و غلاتی که در مرکز آفریقا یا آمریکا قابل پرورش هستند با جنوب این قارهها بسیار متفاوت است. نظریه مقیاس: وقتی تعداد افراد زیادی روی مسائل مشابه کار کنند، می توانند ایده های شان را به مناطق بزرگتری منتقل کنند.

میکروب، اسلحه و فولاد

- آبله، آنفولانزا، سل، مالاریا، طاعون و غیره، همگی از حیوانات می‌آیند، اروپایی‌ها نزدیک حیوانات زندگی می‌کردند، این یعنی از طرفی به‌طور مداوم در معرض آسیب‌های شدید ناشی از این بیماری‌ها مانند طاعون بودند. ولی در عین حال اروپایی‌ها به مرور نسبت به آن‌ها ایمن شدند، این یعنی تکامل داروینی. در عمل انسان‌هایی که از این حملات مداوم میکروب‌ها جان به در می‌بردند، قوی‌تر و ایمن‌تر می‌شدند.
- جوامعی که از نظر تولید غذا، بهتر از سایرین عمل کردند، توانستند از مرحله جوامع «شکارچی-گردآورنده» بگذرند و یکجا نشین شوند، جمعیت بیشتری داشته باشند، سازماندهی اجتماعی بهتری خلق کردند، نهادهای سیاسی و اجتماعی بهتری شکل دادند. و به اسلحه (قدرت نظامی) و فولاد (قدرت فناوری) بیشتری رسیدند.
- وجود حیوانات و گیاهان اهلی یعنی داشتن اضافه غذا در نتیجه ذخیره‌سازی غذا و این بزرگ‌تر شدن اندازه و افزایش جمعیت را برای جوامع یک‌جانشین در فضای متراکم ممکن کرد (شکل‌گیری شهرها) و امکان داد و ستد مازاد را فراهم کرد (شکل‌گیری تجارت). این خود منجر به تخصص‌گرایی و تکنولوژی گشت و ایجاد وسایلی مانند اسلحه و فولاد و شمشیر ساخت.

سفر بشریت (با تمرکز بر توجیه توسعه ۲۰۰ سال گذشته)

○ برای هزاران سال بشریت در دام مالتوسی گرفتار بود. اما جایی روند انباشت تغییرات تکنولوژی به گونه ای شد که در یک دینامیک رفت و برگشتی با جمعیت (تعداد و ساختار جمعیت) در حلقه مثبت خودتقویت کننده افتادند. کاهش مرگ و میر و از طرفی افزایش عمر، جلوی از بین رفتن دانش و پس رفت فن آوری ها که ممکن است از مشخصه های جمعیت کوچک تر و میرا تر باشد را گرفت.

○ اما در برهه از تاریخ کودکان به سرمایه انسانی تبدیل شدند که با مهارت یافتن در مشاغل پردرآمد، ارزش آنان افزایش یافت. با سرمایه گذاری زیاد روی هر دانش آموز، والدین فرزندان کمتری داشتند. از طرفی تکنولوژی باعث شد که زنان نیز وارد بازار کار شوند و دیگر نیازی به زور بازو نبود. افزایش سن ازدواج و (هر دو سال کاهش یک فرزند) و این بود که سرانه باروری کاهش یافت. این کاهش جمعیت از یک سو و طولانی شدن عمرها و افزایش بهره وری تولید از سوی دیگر منجر به خروج از تله مالتوسی شد.

○ این ریشه در چه چیزی داشت: افزایش پیچیدگی مغز انسان به خاطر فشارهای تکاملی. در طول تاریخ دست های انسان تغییر شکل یافت به گونه ای که بتواند ابزارسازی کند، بازوانش به گونه ای بهبودیافت که بتواند نیزه پرتاب کند و همین طور مغزش به گونه ای رشد کرد که بتواند ارتباط موثر پیدا کند و زبان را بفهمد و قرارداد تنظیم کند.

سفر بشریت: ریشه‌ها، ثروت و نابرابری

○ عوامل عمیقا ریشه دار، نقش بزرگی در پیدایش شکاف فعلی در استانداردهای زندگی و پیشرفت تکنولوژیک کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه داشتند. **نهادهای و فرهنگها در کنار تنوع جغرافیایی و انسانی سرعت گردش چرخ دنده‌های بزرگ تاریخ بشر** را در سراسر جهان تحت تاثیر قرار داده اند: پیشرفت تکنولوژیک و رشد اقتصادی و سازگاری جمعیت انسانی سرعت سفر بشریت را از دام فقر مالتوسی به عصر مدرن رشد پایدار تعیین می کنند.

○ با گذشت زمان، جهانی شدن و گسترش دسترسی به فناوری های پزشکی، آموزشی و... و انقلاب فناوری اطلاعات (شمولیت مالی) به احتمال زیاد بخشی از شکاف نهادی و فرهنگی کشورها را پوشش خواهد داد و اهمیت ویژگیهای جغرافیایی را کاهش میدهد.

سفر بشریت: ریشه ها، ثروت و نابرابری

○ تأثیر «شرایط اولیه‌ای» بر توسعه جوامع را نمی توان نادیده گرفت. این شرایط اولیه از پس هزاره‌ها عبور کرده و حتی بر شخصیت ما هم تأثیر گذاشته است. طبق باور او، اینکه شما «ذهنیت آینده‌نگر» دارید یا نه -اینکه چقدر اهل پس اندازید یا چقدر حاضرید برای آموزشتان سرمایه‌گذاری کنید- تا حدی به این برمی‌گردد که زمین‌های آبا و اجدادی‌تان مناسب کاشت چه محصولاتی بوده است (در جایی که گونه‌های پربازدهی چون جو و برنج به‌خوبی محصول می‌دهند می‌ارزد که از خیر مزایای فوری شکار چشم‌پوشی کرد و به‌جایش بخشی از قلمرو را به کشاورزی اختصاص داد. این امر به ایجاد دیدگاهی بلندمدت در این زمینه کمک می‌کند).

○ در جوامعی که نحوه معیشت به گونه‌ای بوده است که هم مرد و هم زن کار می‌کرده‌اند (مثلاً حصیربافی) نشانی از مردسالاری نبوده است. (تأثیر جغرافیا بر معیشت و معیشت بر فرهنگ)

متغیرها، معرفی شده در این چهار منبع بین المللی

تعامل و توازن چهار عامل	رخداد‌های و روندهای تاریخی	موقعیت جغرافیایی	فرهنگ (باورها و هنجارها و خلیات)	نهادها (قواعد زندگی جمعی)
-------------------------	----------------------------	------------------	----------------------------------	---------------------------

- برای هزاران سال بشریت در دام مالتوسی گرفتار بود. اما جایی روند انباشت تغییرات تکنولوژی **[تکامل تاریخی]** به گونه ای شد که در یک دینامیک رفت و برگشتی با جمعیت (تعداد و ساختار جمعیت) در **حلقه مثبت خودتقویت کننده** افتادند. کاهش مرگ و میر و از طرفی افزایش عمر، جلوی از بین رفتن دانش و پس رفت فن آوری‌ها **[تکامل تاریخی]** که ممکن است از مشخصه های جمعیت کوچک تر و میرا تر باشد را گرفت.
- اما در برهه از تاریخ کودکان به سرمایه انسانی تبدیل شدند که با مهارت یافتن در مشاغل پردرآمد، ارزش آنان افزایش یافت **[تغییر هنجارها]**. با سرمایه گذاری زیاد روی هر دانش آموز، والدین فرزندان کمتری داشتند. از طرفی تکنولوژی باعث شد که زنان نیز وارد بازار کار شوند **[تغییر فرهنگ]** و دیگر نیازی به زور بازو نبود. این بود که سرانه باروری کاهش یافت. این کاهش جمعیت از یک سو و طولانی شدن عمرها و افزایش بهره وری تولید از سوی دیگر منجر به خروج از تله مالتوسی شد.
- این ریشه در چه چیزی داشت: افزایش پیچیدگی مغز انسان **[تکامل تاریخی]** به خاطر فشارهای تکاملی. در طول تاریخ دست های انسان تغییر شکل یافت به گونه ای که بتواند ابزارسازی کند، بازوانش به گونه ای بهبودیافت که بتواند نیزه پرتاب کند و همین طور مغزش به گونه ای رشد کرد که بتواند ارتباط موثر پیدا کند و زبان را بفهمد و قرارداد تنظیم کند **[نهادها و قواعد زندگی جمعی]**.



هیچ کدام از این عوامل به تنهایی و منفک شده از یکدیگر توضیح دهنده نیستند. این ها با هم **مارپیچ زوال** یا **پلکان کمال** را شکل می دهند. خروج از چرخه نکبت به چرخه موفقیت وابسته است به حرکت آغازین یکی و سپس رفت و برگشت و تعامل این چهار عنصر

روایت سه لایه ای توسعه نیافتگی ایران (رستا)

توسعه کم شتاب و عقب ماندگی

ما با یک پدیده تک علیتی خطی سر و کار نداریم بلکه با حلقه های علت و معلولی دینامیک روبرو هستیم

نظام حکمرانی معلول

ظرفیت پایین حکمرانی و حل مسایل ملی

ترتیبات سیاسی محدود

نهاد سیاست با دسترسی بسته

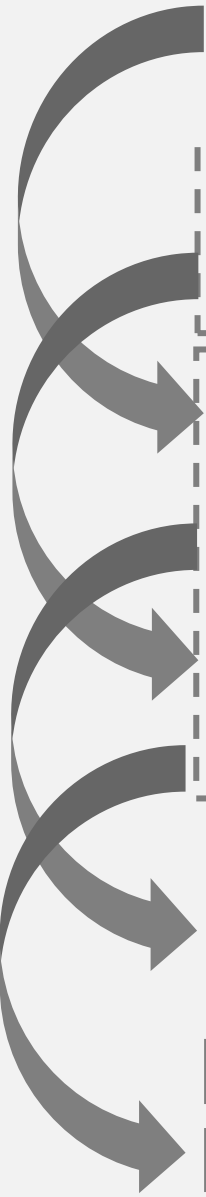
مناسبات اقتصادی معیوب

نهاد اقتصاد غیرفراگیر بهره کش

خلقیات فرهنگی نامطلوب

موقعیت جغرافیایی

مسیر تاریخی



معمای توسعه ایران
مجتبی لشکر بلوکی

نمونه ای از یک چرخه شوم که شامل مولفه های مختلف تاریخی و فرهنگی و جغرافیایی و نهادی مختلف است

هم نشینی و هم‌دستی مولفه‌های مختلف

- فرهنگی (میل به رفتن و نه ساختن)
- سیاسی (کاهش شایستگی حکمرانان)
- اقتصادی (خروج سرمایه)
- توان حکمرانی (ظرفیت حل مساله)
- تاریخی - جغرافیایی (مقایسه با پیشرفت همسایگان و دیگران)

ترقیق هویت ملی
تشکیل سرمایه منفي
حکمرانان
کاهش شایستگی

ظرفیت حل مساله
نهاد آفرینی و
کاهش ظرفیت

چرخه شوم
تخلیه و ترقیق
(ماریچ زوال)

ناامیدی، توجیه اخلاقی
خروج سرمایه انسانی -
مالی

جا ماندگی از بقیه
کشورهای در حال
پیشرفت

درک وضعیت
نسبی ایران در
مقایسه با
کشورهای
همسایه
و پیشرفته

آیا فقط ریشه‌ها، آینده را شکل خواهند داد؟

مربع شکل‌گیری آینده

روندها؛ تغییرات پیوسته با جهت مشخص
مثال: ورود نسل زد، استقلال زنان، از دست رفتن پایگاه مشروعیت مراجع سنتی

تسریع روندها

نقد ریشه‌ها

ریشه‌ها: مسیر تاریخی/ نهادها/ موقعیت
جغرافیایی، فرهنگ و هنجارها (عوامل
پایدارساز)

رخدادها: تغییرات گسسته
(قوهای سیاه زلزله، کرونا، جنگ)
مثال جنگ روسیه و اوکراین

آمادگی برای رخدادها

تغییر ذهنیت‌ها

رفتارها: تصمیمات و اقدامات و مفروضات
بازیگران کلیدی
مثال: تصمیم چین به صلح منطقه خاورمیانه
مثال برای کنشگری: وزیر اقتصاد آلمان بعد
از جنگ

چهار استراتژی پیش رو

همکاری‌های مولد و خلاق، ریزنهاد تولید می‌کنند و این‌ها دیر یا زود بهم می‌رسند و هم افزا می‌شوند و تاثیر خود را در کلان‌نهادها می‌گذارند. (کتاب معمای شکوفایی کریستنسن، استاد دانشگاه هاروارد) **نمونه: استارت آپ‌های اعتباری. ده میلیون تومان.**

نیلوفرآبی؛ توسعه محلی کوچک مقطعی

دولت ضعیف است. توان اصلاح خودش را هم ندارد. تنها راه باقی مانده، تشکل دهی به جامعه به ویژه جامعه علمی حرفه‌ای صنفی و مشارکت در سیاست گذاری است. به شیوه غیرحساسیت برانگیز. **نمونه: مشارکت در اصلاح رویه‌های قضایی، یارانه انرژی**

نتوکرآسی گذار از جامعه اتمیزه و شبکه‌سازی (نه لزوماً متشکل سازی) و حکمرانی شبکه‌ای

قرار نیست همه جمعیت کشور توسعه‌آفرین شوند، تبدیل شدن ۳٪ جمعیت به «توسعه‌آفرین» و ۲۵٪ «توسعه‌آگاه» برای جهش و تغییر کافی است. با تاکید بر انضباط، محاسبه‌گری، تفکر انتقادی، آگاهی‌های توسعه‌ای. **نمونه: مدارس شناختی/مؤنثه‌سوری، تغییر اندیشه‌ها (زنان بی‌سرپرست تا سرپرست خانوار)**

نسل آفرینی (نسل توسعه آفرین و توسعه آگاه و نه توسعه خواه)

پنجره فرصت روزی گشوده خواهد شد، تا آن زمان باید آرزوها، ایده‌شوند، ایده‌ها طرح شوند، طرح‌ها نقد شوند و آمادگی ذهنی جمعی حاصل شود و ...

نمونه: رایحه خودرو در بورس یا حذف سهمیه بنزین خودرو و تخصیص به فرد

نوشتن مشق شب (آلترناتیوسازی برای نظام‌ها و قوانین)

آنچه اکنون ایران نیازمند آن است:

- تضمین امنیت (با تاکید بر سیاست خارجی)
- حقوق مالکیت (تضمین مالکیت و منفعت)
- واقعی سازی تدریجی قیمت ها
- شمولیت در سیاست (بازار سیاست گشوده شود عقلانیت فوران می کند)
- نهادمندسازی قدرت (شفافیت و محدودیت قدرت)
- توازن جامعه و حکومت (راه باریک آزادی)

**امیدواری بدون زمان
هم پذیری اکنون و آرمان
اقدام در دایره امکان**

تو پایان هر گفتگوی منی